

مقایسه چالش‌های فراروی جبران دولتی خسارت بازداشت شده بیگناه در نظام حقوقی ایران و فرانسه

غلامعلی دهشیری^۱ - سید مهدی منصوری^۲*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴

چکیده:

بازداشت یکی از مهمترین اختیاراتی است که در راستای مبارزه موثر با جرم به مقام‌های نظام کیفری اعطا شده است به موازات اعمال اختیار، این امکان وجود دارد که روند نهایی دادرسی به احراز مجرمیت منتهی نگردد. سوالی که در این مورد مطرح می‌شود این است که آیا متهم بازداشت شده بیگناه می‌تواند بابت مدت بازداشت، تقاضای جبران خسارت نماید؟ به رغم برخی مخالفت‌ها، ادله طرفداران جبران خسارت از قوت بیشتری برخوردار است. به ویژه اینکه جبران خسارت، همسو با اصل دادرسی عادلانه بوده و اخلاق نیز اقتضا می‌کند ظلم روا شده، جبران گردد. بر این اساس، در نظام دادرسی کیفری فرانسه از سال ۱۹۷۰ و در ایران از سال ۱۳۹۲ این نهاد به رسمیت شناخته شده است از این جهت و با وجود برخی تفاوتها در شرایط ماهوی و شکلی، در برخی موارد شباهت‌هایی بین مقررات این دو نظام مشاهده می‌شود.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، بازداشت، متهمان بی گناه، اصل برائت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران
dehshiri4664@gmail.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران: نویسنده مسئول

مقدمه

قانون جدید آئین دادرسی کیفری، ضمن شناسایی «حق» زیان دیده در مطالب خسارات ناشی از بازداشت موقت، آئین ویژه‌ای را نیز به منظور اجرای این حق پیش بینی کرده است. این اقدام قانونگذار را باید ستایش نمود و آن را گامی در جهت تحقق دادرسی منصفانه و احترام به اصل برائت «اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» دانست در حقیقت تحمیل خسارت به متهمی که برائت وی احراز شده است. نه تنها با انصاف منطبق حقوقی و اصل برائت مغایرت دارد بلکه اصل تساوی عموم در برابر قوانین و اصل تساوی همگان در برابر دادگستری را نیز نقض می‌کند به همین جهات و نیز با توجه به دشواری اثبات تقصیر در این مورد دولت بدون در نظر گرفتن رفتار قاضی در برابر زیان دیده به نوعی مسئول است و زیان دیده نیز از اثبات تقصیر قاضی معاف می‌باشد از این نظر شاید بتوان گفت مهمترین اثر مقررات قانون آئین دادرسی کیفری را در این زمینه شناسایی، و به نوعی دولت نسب به بخشی از عملکرد دادگستری به عنوان یک عمل حاکمیتی مسئول دانست. مقررات قانون جدید آئین دادرسی کیفری نه تنها مسئولیت ناشی از اشتباه یا خطا قضات را در فرض بازداشت موقت منتهی به بی‌گناهی بر عهده دولت گذارده و از این جهت استثنایی بر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی است بلکه برای نخستین بار نتایج زیان بار ناشی از تقصیر دادرسان را نیز موجب مسئولیت دولت دانسته است. پذیرش مسئولیت دولت نسبت به تقصیر دادرس در صدور قرار بازداشت موقت نباید به معنای مغایرت قانونی عادی با قانون اساسی «اصل ۱۷۱» پنداشته شود. زیرا از یک سو قانون اساسی در مقام بیان اصول و قواعد کلی بوده و جزئیات رسیدگی به مسئولیت دادرسان طبق اصول با وضع قانون عادی تعیین می‌شود. از دیگر سوء مقررات قانون آئین دادرسی کیفری، چنانچه در صفحات بعدی به آن اشاره خواهد شد مسئولیت دادرس نسبت به تقصیر ارتكابی را از نظام حقوقی ایران حذف ننموده‌اند بلکه قاضی مقصر، مطابق با اصل ۱۷۱ قانون اساسی در برابر دولت مسئول می‌باشد. همین اثر خاص این تاسیس حقوقی است که موجب شده تا قانونگذار آئین دادرسی و مراجع ویژه‌ای را به منظور رسیدگی به این دعوا پیش بینی نماید. مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که در کشورهایمانند فرانسه دولت بر پایه نظریه مسئولیت، بدون تقصیر پاسخگویی نتایج ناشی از خطا یا تقصیر قضات در صدور قرار بازداشت موقت است. قانونگذار کشورمان نیز با پذیرش این نظریه در وضع مواد ۲۵۵-۲۶۱ ق.ا.د.ک - چنانچه خواهیم دید- به حقوق فرانسه و قانون آئین دادرسی کیفری این کشور در نظر داشته است. با تصویب آئین نامه «شیوه رسیدگی و اجرای آرای کمیسیون

های استانی و ملی جبران ناشی از بازداشت موقت» از این پس آئین نامه در تاریخ اول دی ماه ۱۳۹۵ زمینه اجرای مقررات قانون آئین دادرسی کیفری در جبران خسارت اشخاص بی گناه بازداشت شده فراهم شده است. در این راستا قانونگذار شرایط آئین دادرسی و مراجع ویژه‌ای را پیش بینی نموده که در خور مطالعه و بررسی است. لازم به یادآوری است که در حقوق فرانسه، نه تنها بازداشت موقت شخص بی گناه بلکه زیان وارد شده به صغار در تمام مراحل رسیدگی به امر قیومت و نیز خسارت وارد شده به محکوم علیه سابق که بی گناهی وی دنبال رسیدگی کیفری مجدد احراز می‌شود بر پایه نظریه مسئولیت بدون تقصیر، مسئولیت مدنی دولت را به همراه دارد.

شرایط مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت

برای اینکه شخص بی گناه بازداشت شده بتواند جبران خسرات وارد شده را درخواست نماید و دعوای اول به نتیجه برسد از یک طرف وجود برخی شرایط و از طرف دیگر فقدان برخی شرایط دیگر در دعوا ضروری است. بنابراین شرایط ایجابی و سلبی را که لازمه صدور رای به جبران خسارت ناشی از بازداشت می باشد به ترتیب مورد مطالعه قرار می دهیم.

بخش اول: شرایط ایجابی

مطابق ماده ۲۵۵ ق.ا.د.ک «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنها صادر می‌شود می‌توانند خسارت ایام بازداشت را مطالبه نمایند» مفاد این ماده که یکی از نوآوری‌های قانون جدید آئین دادرسی کیفری می‌باشد شرایط ایجابی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت را بر شمرده است. در ادامه، شرایط ایجابی پیش گفته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول: ضرورت بازداشت شخص

نخستین شرط برای مطالبه خسارت موضوع ماده ۲۵۵ ق.ا.د.ک این است که ذینفع با صدور قرار، بازداشت شده باشد. به موجب ماده ۲۱۷ ق.ا.د.ک قاضی می‌تواند در صورت وجود شرایط مذکور در ماده ۲۳۷ ق.ا.د.ک به منظور دسترسی به متهم، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق زیان دیده پرونده کیفری و جبران ضرر و زیان وی، قرار بازداشت موقت متهم را صادر کند. همچنین در مواردی که بازپرس مبادرت به صدور قرار کفالت یا وثیقه می‌نماید و قرار صادر شده به دلیل عدم معرفی کفیل یا عدم ارائه وثیقه از سوی متهم منتهی به بازداشت وی می‌گردد «ماده ۲۲۶ ق.ا.د.ک» مفاد ماده ۲۵۵ ق.ا.د.ک قابل اعمال می‌باشد

این معنی به صراحت از عبارت «در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی» مذکور در ماده ۲۵۵ نه تنها قرارهای تامین کیفری صادر شده از سوی دادسرا بلکه قرارهای تامین کیفری منتهی به بازداشت موقت که دادگاه‌های کیفری صادر می‌نمایند نیز مشمول ماده ۲۵۵ به بعد قانون آئین دادرسی کیفری قرار می‌گیرد. از طرف دیگر تنها، اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت «بازداشت» می‌باشند می‌توانند جبران خسارت زمان بازداشت را مطالعه نمایند. برخی از حقوقدانان حکم مذکور در ماده ۲۵۵ ق.ا.د.ک را به سلب آزادی ناشی از تحت نظر قرار دادن متهم توسط ضابطان دادگستری نیز مجری دانسته‌اند. (خالقی، ۱۳۹۴) این نظر را باید به ویژه با توجه به عبارت «به هر علت» مذکور ماده ۲۵۵ قانون جدید آئین دادرسی کیفری تأیید نمود. بنابراین قرارهای نظارت قضایی «ماده ۲۴۷ به بعد ق.ا.د.ک» یا قرارهای تامین کیفری محدود کننده آزادی که در جریان تحقیقات و دادرسی صادر می‌شوند و دعوای کیفری متعاقبا به برائت متهم منتهی می‌شود از شمول آن خارج است. بدیهی است که در این موارد متهم تبرئه شده می‌تواند خسارت وارد شده به خود را در چارچوب نظام عمومی مسئولیت مدنی مطابق با اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب سال ۱۳۹۰ مطالعه نماید.

قانون جدید آئین دادرسی کیفری ایران در خصوص امکان جبران خسارت متهم بی‌گناهی که به موجب ماده ۲۱۷ ق.ا.د.ک بند «چ» «به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات ملتزم شده اشاره‌ای ننموده است. رویه قضایی می‌تواند با تفسیر موسع ماده ۲۵۵ ق.ا.د.ک و روح حاکم بر قانون جدید آئین دادرسی کیفری قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده را از نظر سلب آزادی متهم، و «در حکم» بازداشت تلقی و آن را مشمول احکام و شرایط مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت نماید. در حقوق فرانسه به موجب ماده ۱۰-۱۴۲ ق.ا.د.ک، «متهمی که از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی ملتزم به عدم خروج از محل اقامت شده می‌تواند پس از صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب توسط بازپرس یا صدور رای برائت از سوی دادگاه جنایی یا جنحه و قطعی شدن رای جبران خسارت وارد شده را مطابق شرایط پیش بینی شده در مواد ۱۵۰-۱۴۹ «راجع به مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت شخص بی‌گناه» مطالبه نماید، مفاد این ماده در ماده ۲۳-۲۲ آئین اجرایی قانون مزبور نیز تأیید شده است. احکام و شرایط مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت نسبت به قرار تامین ناظر به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده نیز مجری می‌باشد. مبنای نگارش ماده ۲۵۵

ق.ا.د.ک، ماده ۱۴۹ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه بوده است در ماده اخیر الذکر به جبران خسارت شخص بازداشت شده پس از صدور قرار منع تعقیب دادسرا رای برائت دادگاه جنایی یا رای برائت سایر مراجع کیفری اشاره شده است تفکیک قرارهای کیفری به منع و موقوفی تعقیب در حقوق ایران در آئین دادرسی کیفری فرانسه وجود ندارد و برای هر دو مورد از اصطلاح Decision non-Lieu استفاده می‌شود.

برای نمونه در حالی که در حقوق ایران، فوت متهم در جریان دادرسی از موجبات صدور قرار موقوفی تعقیب است «بند الف ماده ۱۳ ق.ا.د.ک» در حقوق فرانسه از موارد صدور قرار منع تعقیب می‌باشد (ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه) ماده ۱۴۹ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه با اعلام اصل جبران همه خسارات ناشی از بازداشت موقت منتهی به قرار منع «و موقوفی» تعقیبی رای برائت استثناهای وارده بر اصل، از جمله اعلام عفو بعد از بازداشت شدن شخص و یا شمول مرور زمان دعوای عمومی پس از آزادی شخص بازداشت شده را احصاء نموده است به نظر می‌رسد در انشای ماده ۲۵۵ ق.ا.د.ک کشورمان به نکات پیش گفته شده توجهی نشده است.

گفتار دوم: صدور قرار منع تعقیب یا رای برائت نسبت به شخص بازداشت شده

شخص بازداشت شده در صورتی می‌تواند خسارات ناشی از بازداشت را مطالبه نماید که دادرسی که او در جریان آن بازداشت شده است، منتهی به صدور قرار منع تعقیب از سوی دادسرا یا حکم برائت از سوی دادگاه گردد.

«ماده ۲۵۵ ق.ا.د.ک» افزون بر این درخواست مطالبه خسارت در صورتی پذیرفته می‌شود که قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر شده قطعی شده باشد (ماده ۲۵۷ ق.ا.د.ک) بر همین اساس اگر آئین رسیدگی به اتهام شخص که به مدت طولانی در بازداشت بوده است منتهی به حکم محکومیت گردد. بازداشت مزبور هر چند به مدت طولانی نمی‌تواند مبنای مطالبه خسارت به استناد ماده ۲۵۵ ق.ا.د.ک قرار گیرد. پرسش که می‌تواند مطرح کرد این است که در صورت بازداشت شخص در جریان تحقیقات و سپس صدور قرار موقوفی تعقیب به استناد ماده ۱۳ ق.ا.د.ک شخص بازداشت شده می‌تواند خسارت زمان بازداشت را درخواست کند؟

ماده ۲۵۵ ق.ا.د.ک به صدور «حکم برائت یا قرار منع تعقیب» به عنوان شرط مطالبه خسارت اشاره نموده و از قرار موقوفی تعقیب نامی برده نشده است خسارت شخص بازداشت شده در این مورد غیر قابل جبران اعلام و دلیل آن «عدم اظهار نظر ماهوی در مورد ارتکاب یا عدم

ارتکاب عمل مجرانه توسط متهم» دانسته شده است. (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۶۴) با این همه پذیرش این نظر به صورت مطلق به ویژه با توجه به پیشینه موضوع در حقوق فرانسه دشوار به نظر می‌رسد. در حقیقت بازداشت شخص به هر دلیل و سپس عدم صدور حکم محکومیت وی حق جبران خسارت را جز در مورد استثنایی و احصا شده برای شخص بازداشت شده به دنبال دارد. بر این اساس می‌توان قرار منع تعقیب یا رای براءت مذکور در ماده ۲۵۵ پیش گفته را وارد مورد اغلب تلقی و یا بررسی موارد صدور قرار موقوفی تعقیب مطالبه خسارت را در صورت مطابقت با هدف و فلسفه جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت برای زیان دیده ممکن دانست بر این پایه چنانچه برای نمونه شخص به اتهام ارتکاب جرم با صدور قرار تامین کیفری بازداشت شود و سپس بازپرس پرونده از شمول مرور زمان یا نسخ قانون نسبت به جرم ارتكابی پیش از بازداشت شخص آگاه گردد. عدم جبران خسارت زمان بازداشت با اصل انصاف منطبق به نظر نمی‌رسد. همچنین در صورت تداوم بازداشت شخص علی‌رغم شمول مرور زمان خسارت فرد بازداشت شده باید جبران گردد. در مقابل شمول مرور زمان دعوای عمومی پس از آزادی شخص بازداشت شده نمی‌تواند مبنای مطالبه خسارت قرار گیرد.

قبل از طرح مبحث شرایط سلبی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت غیر قانونی موضوع مهمی که قابل طرح است با توجه به نوآوری موضوع جدید در قانون آئین دادرسی کیفری بحث امکان مطالبه زیان به اعتبار تصمیمات قبل از لازم الاجرا شدن قانون در دوره زمانی قبل از ۹۴/۴/۱ است. با توجه به اینکه قانون آئین دادرسی کیفری سال ۹۲ از ۹۴/۴/۱ لازم الاجرا شده است این سوال قابل طرح است که آیا افرادی که قبل از لازم الاجرا شدن این قانون به صورت غیر موجه بازداشت شده‌اند می‌توانند از فرایند جبران خسارت که در این مواد پیش بینی گردیده بهره مند شوند؟ به نظر می‌رسد باید به این سوال پاسخ منفی داد هر چند فی نفسه هیچ تفاوتی بین آنها با افرادی که بعد از لازم الاجرا شدن قانون به صورت غیر موجه بازداشت می‌شوند وجود ندارد. چون در هر دو مورد یک عامل غیر موجهی باعث توجه زیان به شخص شده است ولی با توجه به اینکه این قانون چنین حقی را برای دوره زمانی بعد از لازم الاجرا شدن این قانون پیش بینی کرده است برای افرادی که قبل از لازم الاجرا شدن قانون به صورت غیر موجه بازداشت شده‌اند حق مطالبه خسارت وجود نخواهد داشت دلیل عدم عطف حکم به ماسبق آن است که هر چند حکم مزبور در یک قانون شکلی بیان شده است ولی حکم مزبور جنبه ماهوی دارد و عطف آن به ماسبق مستلزم تحمیل هزینه به بیت‌المال است که چنین امری مستلزم وجود نص قانونی است حال سوال دیگری که می‌توان

مطرح کرد آن است که آیا کل دوره‌ای بازداشت باید بعد از لازم الاجرا شدن قانون صورت گیرد. یا مهم تصمیم «منع تعقیب یا حکم براءت» است: به نظر می‌رسد با توجه به حکم ماده ۲۵۵ چنین بر می‌آید که دوره‌ای بازداشت باید از لازم الاجرا شدن قانون شروع شده باشد ولی تالی فاسد این نظر آن خواهد بود که اگر فردی ولو یک روز قبل از لازم الاجرا شدن قانون بازداشت شده ولی عمده ایام بازداشتش در دوره بعد از لازم الاجرا شدن قانون بوده از شمول حکم ماده ۲۵۵ خارج باشد که برای جلوگیری از بروز چنین تالی فاسدی باید به تاریخ اتخاذ تصمیم توجه کرد.

بخش دوم: شرایط سلبی

شرایطی که وجود آنها برای مطالبه خسارت ناشی از قرار بازداشت موقت ضروری است مورد مطالعه قرار گرفت افزون بر شرایط ایجابی فقدان برخی از شرایط نیز به منظور مطالبه خسارت ضروری است به دیگر سخن وجود شرایط مزبور مطالعه به خسارت را برای متهم بازداشت شده ممتنع می‌نماید. حتی اگر قرار منع تعقیب یا حکم براءت در خصوص اتهام انتسابی صادر شده باشد ماده ۲۵۶ ق.ا.د.ک شرایط سلبی پیش گفته را پیش بینی نموده که در زیر به آنها پرداخته می‌شود بر اساس این ماده در صورت بازداشت شخص به دلایل مزبور شخص بازداشت شده مستحق جبران خسارت نخواهد بود.

گفتار اول: بازداشت شخص ناشی از خودداری در ارائه اسناد مدارک و ادله بی گناهی باشد

روشن است که در این فرض، خودداری در ارائه اسناد مدارک و ادله بی گناهی باید در اختیار شخص باید و وی بصورت ارادی از ارائه آنها خودداری می‌نماید. در حقیقت شخص که ادله بی گناهی خود را در اختیار داشته و علیرغم آگاهی و توانایی در ارائه آنها مدارک مزبور را به منظور جلوگیری از بازداشت خود به مقام قضایی ارائه نمی‌نماید. بر اساس قاعده اقدام به زیان، خود اقدام و زمینه بازداشت خود را فراهم نموده است و بنابراین مستحق جبران خسارت نخواهد بود.

۱- به منظور فراری دادن مرتکب، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد.

به منظور احراز این شرط متهم بازداشت شده باید نقض فعالی را به منظور فراری دادن مرتکب جرم ایفا نماید مانند اینکه به ارتکاب جرم- به نادرست- اقرار نماید و یا با حضور در صحنه جرم و در دست گرفتن ادوات جرم، خود را در معرض بازداشت قرار دهد. در این مورد

هم همانند بند پیشین شخص به زیان خود اقدام کرده و بر اساس قاعده لازم، اقدام برائت بعدی نیز نمی‌توان حقی برای وی در مطالبه خسارت ناشی از بازداشت ایجاد کند.

۱-۱- هم زمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد.

هر گاه متهم به ارتکاب دو یا چند جرم از سوی مرجع قضایی تحت تعقیب قرار گیرد و نسبت به هر یک از اتهامات به صورت جداگانه قرار تامین کیفری صادر، قرارهای مزبور منتهی به بازداشت شود و سپس نسبت به یکی از جرایم مزبور که به موجب آن بازداشت شده است. قرار منع تعقیب یا حکم برائت قطعی صادر شده باشد در این صورت متهم نمی‌تواند نسبت به زمان بازداشت خود ادعای مطالبه خسارت نماید. زیرا در همان ایام و نسبت به اتهامات انتسابی دیگر نیز به موجب قرار جداگانه در بازداشت بوده است. در این موارد متهم تنها در صورتی می‌تواند خسارت ناشی از بازداشت را مطالبه نماید که نسبت به همه اتهامات انتسابی به وی قرار منع تعقیب یا حکم برائت تحصیل نماید.

۱-۲- به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد

با وجود بندهای «الف» و «ب» ماده ۲۵۶ ق.ا.د.ک «بازداشت شخص ناشی از خودداری از ارائه اسناد و مدارک و ادله بی‌گناهی باشد به منظور فراری دادن مرتکب جرم خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد» مفاد بند «پ» ماده ۲۵۶ قانون پیش گفته ضروری به نظر نمی‌رسد. با این همه علت منتسب به متهم که «به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد» باید دلیل و مبنای بازداشت وی باشد. در غیر این صورت در امکان جبران خسارت شخص بازداشت شده تردید نباید کرد. در صورتی که اقدام متهم در کنار سایر دلایل یکی از عوامل موثر در بازداشت وی باشد. خسارت وارد شده بر اساس تعدد اسباب و با توجه به میزان تاثیر هر یک از اسباب تعیین می‌گردد. سه بند نخست ماده ۲۵۶ ق.ا.د.ک به طور کلی ناظر به تقصیر متهم در فراهم نمودن زمینه بازداشت موقت است به همین جهت باید فرضی را که شخص متهم با تهدید یا اجبار ناگزیر خود را در مظان بازداشت قرار می‌دهد از شمول این بندها خارج دانست جبران خسارت شخص بی‌گناه بازداشت شده اصل محسوب می‌شود. استثنائات اصل را باید به صورت مضیق تفسیر نمود. در حقوق فرانسه، در صورتی که حکم برائت یا قرار منع تعقیب به دلیل اختلال روانی یا فیزیکی متهم یا شمول عفو بعد از بازداشت یا شمول مرور زمان پس از آزادی صادر شده باشد. همچنین در فرضی که متهم هم زمان به علت قانونی دیگر بازداشت شده یا به منظور فراری دادن مرتکب جرم خود را در مظان بازداشت قرار داده باشد. خسارت وارده قابل جبران نخواهد بود. «ماده ۱۴۹ ق.ا.د.ک»

اقامه دعوی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت

پس از مطالعه شرایط ایجابی و سلبی مطالبه خسارت، شیوه اعمال دعوی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت شایسته بررسی است. بر اساس مقررات قانونی آئین دادرسی کیفری، شخص بازداشت شده باید دعوی خود را علیه دولت طرح نماید. مطالعه اقامه دعوا علیه دولت نیازمند بررسی مرجع صلاحیت دار، شیوه اقامه دعوا و چگونگی رسیدگی و صدور رای در مرحله نخستین است در عین حال مرجع اعتراض به رای مرحله نخستین و نیز مهلت و چگونگی اعتراض در مرحله تجدیدنظر و اجرای آراء نیز مورد بررسی قرار گیرد.

بخش اول: آئین دادرسی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت در مرحله نخستین

به منظور مطالعه آئین مطالبه خسارت ناشی از بازداشت در مرحله نخستین، مرجع صالح، شیوه و مهلت تسلیم درخواست و نحوه رسیدگی و صدور رای به ترتیب مورد بررسی قرار گیرد.

گفتار اول: مرجع صالح، شیوه و مهلت تقدیم دادخواست

بر اساس نظم عمومی مسئولیت مدنی دادرسی، رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت از دادرسی پس از احراز تقصیر یا خطای قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات، در صلاحیت «دادگاه عمومی تهران» می‌باشد «ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۹۰/۷/۱۷» قانونگذار در ماده ۲۵۷ ق.ا.د.ک، برای رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت مرجع ویژه‌ای «کمیسیون استانی» جبران خسارت را به پیرو از ماده ۱-۱۴۹ ق.ا.د.ک پیش بینی کرده است هر چند که گفته شد، آیین دادرسی به دعوی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در قانون آئین دادرسی کیفری کشورمان از مواد ۱۵۰-۱۴۹ ق.ا.د.ک.ف اقتباس گردیده است. «کمیسیون استانی» که شامل سه نفر قاضی دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رئیس قوه قضائیه است و در صورت ضرورت دارای شعب متعدد خواهد بود. «مواد ۲ و ۳ آئین نامه» مرجع نخستین به درخواست‌های جبران خسارت از بازداشت موقت می‌باشد. اطلاق عنوان «کمیسیون» این نهاد قانونی را از شمول مراجع قضایی خارج نمی‌کند این کمیسیون به عنوان یک مرجع قضایی «اختصاصی» با ماهیت مدنی به درخواست‌های جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت رسیدگی می‌کند. اختصاصی بودن کمیسیون استانی و ملی جبران خسارت، صلاحیت مراجع یاد شده را به رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت منحصر می‌کند. صلاحیت کمیسیون منصرف به دعوی متهم بازداشت شده است و همان‌گونه که گفته شد (خالقی: ۲۶۴) رسیدگی به ادعای سایر افراد مانند شهود یا مطلعین را در بر نمی-

گیرد در ماده ۴-۱۴۹ آئین دادرسی کیفری فرانسه، ماهیت مدنی مراجع رسیدگی کننده به درخواست جبران خسارت به صراحت بیان شده است. خواهان در ارائه درخواست خود به کمیسیون استانی ملزم به تقدیم «دادخواست» به مفهومی که در ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی مدنی آمده ندارد. به همین جهت در ماده ۲۵۷ ق.ا.د.ک و مواد ۲، ۸، ۹ و ۱۰ آئین نامه مقرر شده است که شخص بازداشت شده «درخواست» خود را به کمیسیون استانی تقدیم می‌نماید. در حقوق فرانسه نیز طرح دعوا نیازمند تقدیم دادخواست نیست و مطابق ماده ۲-۱۴۹ ق.ا.د.ک.ف این کشور تقدیم درخواست برای رسیدگی کافی است. شخص بازداشت شده باید درخواست جبران خسارت را ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ رای قطعی بی‌گناهی یا تاریخ قطعی شدن رای بی‌گناهی به کمیسیون استانی تقدیم نماید «ماده ۲۵۷ ق.ا.د.ک»، این مدت در فرانسه طبق «ماده ۲-۱۴۹» ق.ا.د.ک.ف، ۲ سال تعیین شده است.

خوانده دعوای جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت، منحصرًا دولت است، اعم از اینکه مبنای بازداشت موقت خطا یا تقصیر قاضی باشد. نماینده دولت به منظور حضور در دادرسی نیز وزارت دادگستری است «مواد ۲۵۵ و ۲۵۹ ق.ا.د.ک»، با این همه عدم تعیین خوانده در درخواست مطالبه خسارت نباید مانعی برای پذیرش و رسیدگی به آن تلقی شود.

زیرا همانطور که گفته شد خوانده دعوا، وزارت دادگستری به موجب قانون تعیین شده و دادگاه نیز راسًا مکلف است خوانده را به دادرسی دعوت نماید. این تفسیر به ویژه از ظاهر تبصره ذیل ماده ۳۴۲ ق.ا.د.ک که دادگاه را مکلف نموده تا وزارت دادگستری را نیز به جلسات دادرسی دعوت نماید و نیز ماده ۱۸ آئین نامه که شرایط درخواست را احصاء نموده و در آن به ضرورت تعیین خوانده اشاره نشده است. استنباط می‌گردد. قانونگذار در ماده ۲۵۷ رای کمیسیون استانی جبران خسارت را فقط از جانب قاضی جبران خسارت قابل اعتراض می‌داند. ولی تبصره ماده ۳۴۲ مقرر داشته «در دعوای مربوط به مطالبه خسارت موضوع ماده ۲۶ این قانون و ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۹۰/۷/۱۷ مواردی را که دیه از بیت المال مطالبه می‌شود دادگاه موظف است از دستگاه پرداخت کننده دیه یا خسارت به منظور دفاع از حقوق بیت‌المال برای جلسه رسیدگی دعوت کند. دستگاه مذکور حق تجدیدنظرخواهی از رای دارد». بنابراین نماینده دولت می‌تواند با حضور در جلسات از منافع عمومی دفاع کند. برای مثال نماینده دولت می‌تواند اعلام کند که تقاضای جبران خسارت خارج از مهلت قانونی صورت گرفته و باید رد شود. یا به یکی از جهات مذکور در ماده ۲۵۶ یا ۲۵۹ استناد کند و امکان مراجعه دولت به مسببین ورود زیان به خزانه عمومی را فراهم کند. نکته که در ارتباط

با این تبصره باید به آن توجه کرد آن است که خسارت موضوع ماده ۲۵۵ از طرف کمیسیون مورد حکم قرار می‌گیرد و نه دادگاه لذا استفاده از عبارت دادگاه در تبصره ماده ۳۴۲ در مورد موضوع ماده ۲۶۰ ناظر به ماده ۲۵۵ را باید حمل بر مسامحه کرد. در این مورد باید حکم ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۹۰/۷/۱۷ نیز مراجعه نمود که مقرر داشته «رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم «۱۷۱» قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوی مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است» بنابراین به نظر می‌رسد دولت برای مطالبه خسارت از قاضی مقصر باید تشریفات موضوع این ماده را طی نماید که برای دولت از حیثیت طرح دعوی علیه قضات بسیار هزینه بر خواهد بود. در فرانسه مطابق مواد ۲۷ و ۳۲ آئین نامه اجرایی قانون آئین دادرسی کیفری این کشور دادستان و نماینده وزارت امور اقتصادی و مالی (به عنوان نماینده دولت)، برای حضور در جلسات دادرسی راجع به جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت دعوت می‌شوند.

پرسشی که ممکن است درباره این طرح شود این است که آیا ذینفع می‌تواند دعوی خود را هم زمان علیه دولت و قاضی مطرح کند و یا از اقامه دعوا علیه دولت صرفنظر کرده و دعوا را به طور مستقیم علیه قاضی اقامه نماید؟ در پاسخ به پرسش یاد شده ممکن است گفته شود که مطالبه خسارت از دولت امتیازی است که قانونگذار به شخص بازداشت شده اعطاء نموده و این امتیاز مانعی برای وی در مراجعه به مسئول اصلی خسارت ایجاد نمی‌کند هر چند بتوان نظر پیش گفته را بر اساس قواعد و اصول کلی حقوق خصوصی توجیه نمود، اما با توجه به مبنا و فلسفه جانشینی مسئولیت دولت، در عدم پذیرش نظر مزبور نباید تردید نمود. زیرا افزون بر تفاوت در تشریفات و آئین اقامه دعوا علیه قاضی و دول جایگزینی مسئولیت دولت به جای مسئولیت قضات صرفاً امتیازی برای شهروندان تلقی نمی‌شود تا بتواند از آن صرفنظر کند بلکه حمایت از حقوق و اقتدار قضات نیز یکی از مبنای آن بوده و از این حیث در زمره حقوق عمومی محسوب می‌شود.

گفتار دوم: رسیدگی صدور رای

بر خلاف نظام عمومی مسئولیت مدنی و دادرسی رسیدگی کمیسیون استانی به درخواست جبران خسارت منوط به اظهار نظر قبلی دادگاه انتظامی قضات نمی‌باشد. آئین نامه شیوه رسیدگی و اجرای آرای کمیسیون‌های استانی و ملی شرایط و شیوه رسیدگی به درخواست

جبران خسارت را به اجمال مشخص نموده است. در عین حال با توجه به ماهیت مدنی دعوا و مرجع رسیدگی کننده نسبت به مواردی که در آئین نامه سکوت اختیار شده است بر اساس اصول و قواعد دادرسی مدنی و مقررات آئین دادرسی عمل می‌شود. در مواد ۲۵۵ به بعد قانون آئین دادرسی کیفری و نیز در آئین نامه اجرایی موضوع ماده ۲۶۱ قانون پیش گفته به ماهیت مدنی درخواست مرجع رسیدگی کننده به طور صریح اشاره نشده است با این همه ماهیت تقاضا «جبران خسارت» و نیز پیشینه مقررات در حقوق فرانسه چنانچه قبلاً بیان شد ماهیت مدنی آن را تایید می‌کند. افزون بر این پیش بینی اصل حاکمیت اصحاب دعوا بر موضوع دعوا که یکی از اصول دادرسی مدنی است در تبصره یک ماده ۱۷ آئین نامه تردیدی در ماهیت مدنی دعوا و کمیسیون رسیدگی کننده باقی نمی‌گذارد. مطابق مقرر اخیر «کمیسیون استانی» و کمیسیون ملی در چارچوب درخواست متقاضی رسیدگی کننده و رای متقاضی صادر می‌نماید.^۱ در هر حال خواهان باید در درخواست افزون بر مشخصات خود به شعبه بازداشت کننده و شعبه صادر کننده قرار منع تعقیب یا رای برائت قطعی، مدت بازداشت، میزان و نوع خسارت وارد شده اشاره کند و مدارک مثبت خواسته «از جمله تصویر مصدق قرار منع تعقیب رای برائت» را نیز پیوست نماید. «ماده ۸ آئین نامه» در صورت عدم رعایت شرایط پیش گفته مدیر دفتر کمیسیون استانی ظرف مدت دو روز مراتب را جهت رفع نقایص مربوطه با اعلام مهلت ده روز به متقاضی اطلاع می‌دهد «ماده ۱۳ آئین نامه» ضمانت اجرای عدم رفع نقایص در آئین نامه تعیین نشده و به بیان عبارت «اتخاذ تصمیم» توسط رئیس کمیسیون اکتفا شده است. با این همه به نظر می‌رسد تصمیم کمیسیون مطابق ملاک مواد ۵۳ به بعد ق.ا.د.م اتخاذ خواهد شد. انتظار می‌رفت در آئین نامه شیوه رسیدگی و اجرای آرای گروه‌های استانی و ملی جبران خسارت به تفضیل به آئین رسیدگی در کمیسیون‌ها و شیوه اجرایی رای آن پرداخته می‌گردد شیوه تبادل لوایح طرفین در جریان دادرسی، چگونگی تبادل لایحه تجدیدنظر خواهی و مهلت پاسخگویی تجدیدنظر خوانده ضمانت اجرای در خواست تقدیمی خارج از مهلت شش ماهه قانونی چگونگی بهره مند شده شخص بازداشت شده از قرار تامینی، عدم تفکیک دادرسی در مرحله نخستین و تجدیدنظر از جمله مواردی است که علیرغم تاثیر آنها بر حقوق دفاعی طرفین در آئین نامه به آن توجهی نشده است. در حقوق فرانسه در مواد ۲۶ تا ۴۰-۳ آئین نامه

^۱ - برای مطالعه درباره اصل حاکمیت اصحاب دعوا نگاه کنید به مجید پور استاد، اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸ شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷، ص ۹۷ به بعد

اجرائی قانون آئین دادرسی کیفری به تفضیل به شیوه رسیدگی به درخواست جبران خسارت اشاره شده است. کمیسیون راسا یا به درخواست خواهان، می‌تواند در صورت لزوم، اسناد و یا اطلاعات مرتبط و موثر در دادرسی و نیز پرونده کیفری را از مرجع کیفری مرتبط با سایر مراجع و موسسات جهت مطالعه مطالبه نماید. «ماده ۲۰ آئین نامه و تبصره ۲ ذیل آن و ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی مدنی» ذینفع در صورت امکان، میزان خسارت مادی و معنوی مورد مطالبه را تعیین مدارک آن را به ضمیمه درخواست تقدیم می‌نماید. مدارک و ادله مثبت خسارات مورد مطالبه می‌تواند سند رسمی یا عادی، شهادت شهود و تقاضای کارشناسی باشد. جلسه یا جلسات رسیدگی که در صورت نیاز تشکیل گردد «ماده ۱۲ آئین نامه» جز در مواردی استثنایی به صورت علنی برگزار می‌شود «اصل ۱۶۵ قانون اساسی» رای کمیسیون باید مستدل و مستند بوده و در صورت وارد بودن خواسته متقاضی مشتمل بر میزان خسارت «ماده ۱۷ آئین نامه و ماده ۲۶۵ قانون آئین دادرسی مدنی» با شیوه‌های جبران خسارت «ملاک تبصره دو ماده ۱۷ آئین نامه» باشد. در رای صادر شده علی‌الاصول حضوری و غیابی، قابلیت اعتراض به رای و مرجع و مهلت اعتراض نیز اشاره شده است.

بخش دوم: آئین دادرسی مرحله تجدیدنظر

به منظور بررسی آئین دادرسی به جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در مرحله تجدیدنظر مرجع اعتراض شیوه مهلت اعتراض، رسیدگی و صدور رای در کمیسیون ملی جبران خسارت و اجرای آراء به ترتیب مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

گفتار اول: شیوه مهلت و مرجع اعتراض به رای کمیسیون استانی

رای کمیسیون استانی مرجع نخستین رسیدگی کننده مطابق ماده ۲۵۷ ق.ا.د.ک و ماده ۴ آئین نامه قابل اعتراض در «کمیسیون ملی جبران خسارت» می‌باشد کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات از دیوان عالی کشور به انتخاب رئیس قوه قضائیه است «ماده ۲۵۸ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۴ آئین نامه» در حقوق فرانسه نیز، بر اساس ماده ۳-۱۴۹ ق.ا.د.ک.ف کمیسیون ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت‌ها از سه عضو شامل رئیس دیوان عالی کشور یا نماینده وی - به عنوان رئیس کمیسیون - و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور تشکیل می‌گردد. مهلت اعتراض به آرای کمیسیون استانی ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رای این کمیسیون می‌باشد «قسمت اخیر ماده ۲۵۸ ق.ا.د.ک و ماده ۱۱ آئین نامه» [در فرانسه بر اساس ماده ۳-۱۴۹ ق.ا.د.ک.ف مهلت

اعتراض به تصمیم رئیس دادگاه تجدیدنظر ده روز از تاریخ ابلاغ رای می‌باشد] اعتراض را می‌توان به دفتر کمیسیون استانی صادر کننده رای یا دفتر کمیسیون ملی جبران خسارت در دیوان عالی کشور تقدیم نمود. شخص بازداشت شده در صورت رد اعتراض به صورت کلی یا جزئی و وزارت دادگستری به منظور دفاع از حقوق بیت المال می‌تواند به رای کمیسیون استانی اعتراض کند. «قسمت اخیر ماده ۲۵۷ و تبصره ذیل ماده ۳۴۲ ق.ا.د.ک و ماده ۱۱ آئین نامه» در ماده ۲۵۷ ق.ا.د.ک حق اعتراض یا تجدیدنظرخواهی ذینفع از رای کمیسیون استانی «در صورت رد درخواست»، اشاره شده است رد درخواست همانگونه که گفته شد شامل رد جزئی یا کلی درخواست می‌شود. زیرا هیچگونه مبنای منطقی و حقوقی برای عدم پذیرش اعتراض در فرض رد از قسمتی از درخواست وجود ندارد مفاد ماده ۱۱ آئین نامه نیز که به صورت مطلق به «اعتراض به رای کمیسیون» اشاره نموده است موید این استنباط می‌شود. (شاملو و مرادی، ۱۳۹۳)

شیوه اعتراض به رای کمیسیون استانی تابع تشریفات خاصی نبوده و مطابق قواعد کلی و با تقدیم «دادخواست» انجام گیرد درخواست اعتراض باید مشتمل بر مشخصات تجدیدنظرخواه، جهات و دلایل اعتراض و مشخصات و تصویر دادنامه مود اعتراض باشد «ماده ۹ آئین نامه»

گفتار دوم: شیوه رسیدگی و صدور رای در کمیسیون ملی جبران خسارت و اجرای آراء

چگونگی رسیدگی و صدور رای در کمیسیون ملی جبران خسارت همانند شیوه رسیدگی و صدور رای در مرحله نخستین «کمیسیون استانی» که در سطور پیشین از نظر گذشت آنچه مسلم است اینکه اصل تقابل و حق دفاع ایجاب می‌کند که اعتراض تجدیدنظرخواه به رای کمیسیون استانی به طرف مقابل ابلاغ می‌شود تا شخص اخیر بتواند دفاعیات خود را تدارک بنماید در اینجا مناسب است به این نکته اشاره شود که هر چند اعضای کمیسیون ملی جبران خسارت از قضات دیوان عالی کشور می‌باشند و این کمیسیون علی‌الاصول در دیوان عالی کشور تشکیل می‌گردد با این وصف نمی‌توان آن را مرجع فرجام خواهی آرای کمیسیون استانی تلقی نمود. به دیگر سخن کمیسیون ملی جبران خسارت مرجع «تجدیدنظر» از آرای کمیسیون استانی است و به جهات ماهوی و حکمی اعتراضات به آرای کمیسیون‌های استانی رسیدگی می‌نماید. به همین دلیل این کمیسیون ضمن رسیدگی ماهوی به پرونده رای کمیسیون استانی را تأیید یا در صورت اقتضاء فسخ و رای مناسب صادر می‌نماید. به همین ترتیب کمیسیون ملی جبران خسارت می‌تواند خسارت تعیین شده در رای مرجع نخستین را کاهش یا افزایش دهد. بر اساس قسمت اخیر ماده ۲۵۸ ق.ا.د.ک کمیسیون ملی جبران خسارت قطعی است. علیرغم

عدم ذکر نام کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت در تبصره ذیل ماده ۴۷۷ ق.ا.د.ک تجویز اعاده دادرسی از آرای کمیسیون پیش گفته به استناد خلاف بین شرع بودن آراء آنها بعید به نظر نمی‌رسد.

مقایسه تطبیقی جبران خسارت در ایران و فرانسه

رویکرد نظام‌های ایران و فرانسه نشان می‌دهد که در این دو کشور نیز مسئولیت مطلق دولت در جبران خسارت پذیرفته شده است و دولت تنها پس از جبران خسارت می‌تواند به عامل مراجعه کند. بر اساس ماده ۲۵۹ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته جبران خسارت بر عهده دولت است و مشخصاً وزیر دادگستری مسئول اجرای رای کمیسیون است. در صورتی که بازداشت بر اساس اعلام مغرضانه، شهادت کذب و یا کوتاهی قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند. در حقوق فرانسه نیز بر اساس ماده ۱۵۰ روبه مشابهی پیش بینی شده است. مطابق ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری، شخصی که بازداشت شده است، ظرف ۶ ماه از ابلاغ رای قطعی بی گناهی، می‌تواند ادعای جبران خسارت کرده و درخواست خسارت را به کمیسیون استانی ارائه نماید. این کمیسیون در مورد خسارت مادی و معنوی حکم صادر می‌کند. حکم آن قابل اعتراض در کمیسیون ملی است. در مواد ۲ تا ۵ «آئین نامه شیوه رسیدگی و اجرای آراء کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت» «۱۳۹۵»- ترتیب تشکیل کمیسیونهای مذکور نیز بیان شده است. (یزدانیان، ۱۳۹۴)

۱- کمیسیون‌های استانی برای رسیدگی به درخواست جبران خسارت بازداشت شدگان در حوزه قضایی استان تشکیل می‌شود و در صورت ضرورت با تشخیص رئیس قوه قضائیه دارای شعب متعدد خواهد بود. کمیسیون استانی، متشکل از سه عضو اصلی و به تعداد لازم عضو علی‌البدل است و از بین قضات دادگاه تجدیدنظر استان تعیین می‌شوند، با سابقه‌ترین عضو به عنوان رئیس انتخاب خواهد شد. کمیسیون فوق دارای یک دفتر می‌باشد که متشکل از مدیر و به تعداد لازم کارمند و به تعیین رئیس کل دادگستری استان خواهد بود. کمیسیون ملی، برای رسیدگی اعتراض نسبت به آرای کمیسیون استانی در دیوان عالی کشور تشکیل می‌شود و در صورت نیاز با تشخیص رئیس قوه قضائیه دارای شعب متعددی خواهد بود. کمیسیون فوق دارای سه عضو اصلی و به تعداد لازم عضو علی‌البدل است و متشکل از رئیس دیوان عالی

کشور یا یکی از معاونان به عنوان رئیس کمیسیون و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور خواهد بود. (مؤذن زادگان، ۱۳۸۰)

ماده ۲-۱۴۹ قانون آئین دادرسی فرانسه بر لزوم علنی بودن رسیدگی تاکید کرده است «جز در موارد درخواست متقاضی» با این حال در حقوق ایران چنین امری پیش بینی نشده است در این خصوص دو دیدگاه می‌تواند مطرح شود. بر اساس دیدگاه نخست با توجه به اینکه درخواست جبران خسارت در کمیسیون «و نه دادگاه» رسیدگی می‌شود. فلذا توسعه گستره اصل علنی بودن آنچنان که در ماده ۳۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری در خصوص محاکمات دادگاه آمده به رسیدگی‌های کمیسیون محل ایراد است علاوه بر این اگر قانونگذار نظر بر رسیدگی علنی داشته همانند قانون فرانسه بیان می‌کرد. در مقابل، می‌توان گفت گسترش اصل علنی بودن به رسیدگی‌های کمیسیون موجب حفظ منافع فرد بی گناه خواهد شد که به ناحق بازداشت شده است. علاوه بر این، تفسیر غایی قوانین اقتضاء می‌کند که پیشینه قوانین نیز مدنظر قرار گیرد. با توجه به الگوبرداری قانون آئین دادرسی کیفری ایران از قانون فرانسه، می‌توان گفت تعمیم اصل علنی بودن هم سوء با اصل تفسیر غایی قوانین می‌باشد. در ایران به موجب ماده ۱۲ آئین نامه فوق‌الشاره «کمیسیون ذیربط به نوبت به پرونده‌های مطروحه رسیدگی نموده و در صورت نیاز دستور تعیین وقت و دعوت از متقاضی و نماینده صندوق را صادر می‌کند. عدم حضور آنان مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمی‌باشد.» (کرمی، ۱۳۹۴)

همچنین ماده ۱۳ این آئین نامه در مقام بیان ضمانت اجرای ماده فوق بیان می‌دارد که در صورت عدم رعایت شرایط مقرر در مواد ۸ و ۱۰ آئین نامه حسب مورد مدیر دفتر کمیسیون استانی یا ملی ظرف دو روز نقایص را به متقاضی اطلاع می‌دهد و از تاریخ ابلاغ به مدت ده روز به او مهلت می‌دهد تا نقایص را رفع نماید. چنانچه در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص ننماید. مراتب توسط مدیر دفتر به رئیس کمیسیون مربوط جهت اتخاذ تصمیم منعکس می‌گردد. در حقوق فرانسه نیز بر مبنای ماده ۴-۱۴۹ به موجب ماده ۱۳-D آئین نامه شورای دولتی راجع به جبران خسارت ایام بازداشت «اصلاحی ۲۰۰۸» عدم حضور طرفین مانع از رسیدگی نبوده و مدت ۵ روزه جهت رفع نقایص در نظر گرفته شده است از سوی دیگر در حقوق ایران مهلت اعتراض به نظر اولیه در کمیسیون استانی مطابق ماده ۱۱ آیین نامه ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ رای کمیسیون در نظر گرفته شده است. حال آنکه در حقوق فرانسه آئین نامه مربوط در این

خصوص ساکت بوده و تنها در ماده ۳-۱۴۹ قانون آئین دادرسی کیفری در این مدت ده روز در نظر گرفته شده است. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰)

بررسی اهداف قانونگذار تصویب نهاد خسارت بازداشت اشخاص بیگناه

از نظر تاریخی محکومیت‌های غیر قانونی همواره به عنوان معضلی برای دستگاه قضایی مطرح بوده است بنابراین در راستای اهدافی که قانونگذار را متمایل به تصویب ماده‌ای با محوریت «خسارت بازداشت اشخاص بیگانه نمود» بحث جبران خسارت را می‌توان محل تعارض در حق تلقی کرد. از یک طرف حق بزه دیده به طرح شکایت قرارداد که در اصل ۳۴ قانون اساسی نیز به آن تصریح شده است و از طرف دیگر تکلیف دادستان به تعقیب دعوی عمومی تحت عنوان اصل قانونی بودن تعقیب قرار داده که در ماده ۱۱ قانون آئین دادرسی کیفری به آن تصریح شده است و متعاقب آن متهم بی گناه از حق جبران خسارت بر خوردار شده است. قانونگذار راه حل رفع این تعارض را در الزام به جبران خسارت متهم بی گناه دیده است. قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۲۹۱ و نیز قانون آئین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ به تکلیف دولت به جبران خسارت متهم بی گناه اشاره نداشتند و فقط به جبران خسارت متهم توسط شاکی غیر محق اشاره داشتند. قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به صراحت به این مطلب اشاره کرده است. هر چند عدم اشاره به لزوم جبران خسارت متهم بی گناه توسط شاکی غیر محق به اعتبار مقررات عام مسئولیت مدنی مانع جبران خسارت متهم توسط شاکی خصوصی نیست. دادستان جنایی همانند دیگر مقامات عمومی که نمایندگی دموکراسی را بر عهده دارند باید به طور مستمر نمایندگی عموم را بر عهده بگیرند. اقدام دادستان در متهم ساختن شخص به نقض قانون کیفری خلاف اصل برائت است که در صورت صدور قرار تامین منتهی به بازداشت باعث سلب آزادی متهم نیز می‌شود. که در کلیه نظام‌های حقوقی به عنوان یک رکن اساسی در امر دادرسی اعمال می‌گردد و انعکاس صریح و قاطعانه در حقوق جهانی نیز پیدا کرده است. اعمال حاکمیت از طرف دولت ممکن است به زیان اشخاص تمام شود. دادستان از تمامی امکانات جامعه علیه متهمین استفاده می‌کند و حتی اگر شخص واقعا مرتکب جرم شده باشد از موقعیت خوبی برخوردار نیست. به خاطر ضعف موقعیت متهم، قانونگذار سعی می‌کند موقعیت وی را بهبود بخشد که از آن به تساوی سلاح‌ها تعبیر می‌شود. عدم تساوی سلاح‌ها بین متهم و دادستان مشروعیت دادگاه کیفری را طی زمان به تحلیل می‌برد و اعتبار آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. «لازمه تساوی

سلاح‌ها دسترسی به شرایط برابر و داشتن فرصتی معقول برای دفاع به نحوی است که وی را در برابر طرف مقابل در وضع نامناسب قرار ندهد.» دلیل اینکه چرا قانون به جبران خسارت اشاره می‌کند آن است که (قانون و عدالت دو همزاد تاریخی هستند) (کاتوزیان، ۱۳۸۹)، عدالت و حق وقتی که شخصی به صورت غیر عادلانه تحت تعقیب قرار می‌گیرد، عدالت ایجاب می‌نماید که از وی جبران خسارت شود. مخصوصاً وقتی که آزادی متهم به نحوه غیر عادلانه خدشه دار می‌شود؛ اخلاق و عدالت جبران خسارت را لازم می‌داند. می‌توان گفت حکم قانون در مورد جبران خسارت پایه اخلاقی نیز دارد. لزوم جبران خسارت متهم را می‌توان از جلوه‌های عدالت ترمیمی در نظام کیفری مدرن تلقی نمود. هر چند اساساً وقتی از عدالت ترمیمی صحبت می‌شود؛ از لزوم جبران خسارت بزه دیده بحث به میان می‌آید؛ ولی به نظر می‌رسد به اعتبار آنکه «عدالت ترمیمی ساختار فلسفی است که نوع دیگر از اندیشه و تفکر نسبت به بزه و عدالت کیفری را عرضه می‌کند». (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۶) می‌توان آن را به جبران خسارت متهم بی‌گناه نیز تسری داد. به این ترتیب «عدالت ترمیمی تعریف نوینی را از مفاهیم سنتی و کلاسیک حقوق جزا و کارکرد نهادهای حقوق کیفری ارائه داده و در عمل نیز اثرات قابل ملاحظه بر سر نوشت اصحاب دعوی کیفری، جامعه مدنی و نهادهای نظام عدالت کیفری بر جای می‌گذارد». (عباسی، ۱۳۸۲) «منطق مطالبه خسارت در مورد تعقیبات غیر موجه آن است که فرایند دادرسی مورد سوء استفاده قرار گرفته است» در ارتباط با مشکلات مذکور در حال حاضر در برخی از کشورها یک جنبش بی‌گناهی ایجاد شده است. با این حال این سوال مطرح می‌شود که چنانچه خطایی در بازداشت رخ داد نباید اثری بر این خطا بار شود؟ در واقع به کارگیری بیش از حد این اهرم به ویژه در مرحله پیش از دادرسی از یک سو و عدم اعمال مناسب آن نسبت به جرم ارتكابی از سوی دیگر بر خلاف عدالت بوده و باعث می‌شود به حقوق متهم در فرایند دادرسی خدشه وارد شود. از این جهت به رغم معنای موسع خطای مصادیق آموزه‌های موجود آیین دادرسی کیفری توقیف و بازداشت ناروا یکی از خطاهای قضایی است. (غلاملو و فرجیها، ۱۳۹۳)

پس می‌توان گفت که هدف قانونگذار از تاسیس چنین نهادی، در وهله نخست فرصتی باشد تا مقامات نظام عدالت کیفری دقت کنند در روند رسیدگی گزارش‌های مستند گردآوری نمایند تا فرد بی‌گناه تعقیب نشود. در واقع پیش‌بینی این نهاد هشدار است برای تمام ماموران نظام عدالت کیفری تا در کمال دقت رسیدگی کنند تا فردی بدون جهت گرفتار فرایند کیفری نگردد. در وهله دوم، این نهاد موجب می‌شود هر چند اندک با پرداخت وجهی به متهم

بی گناه قسمتی از آلام و رنج‌هایی که در اثر بازداشت متحمل شده جبران گردد. قبل از شروع به بیان مطالبی در خصوص چالش‌های پیش روی جبران خسارت متهمان بازداشت شده بی گناه که در قالب نظریات موافقات و مخالفان مطرح و سپس نظر برگزیده اعلام می گردد. ذکر این مقدمه لازم و ضروری است.

باید توجه داشت که جبران خسارت متهمان بازداشت شده بی گناه، متفاوت از جبران خسارت از بازداشت غیر قانونی و نیز جبران خسارت ناشی از محکومیت بی گناهان است. در مورد اول فرد در یک چهارچوب قانونی، متهم به ارتکاب جرم شده و مدتی بازداشت شده ولی در نهایت تبرئه می‌گردد. در این فرض حق جبران خسارت برای فرد فارغ از اینکه مدت بازداشت چقدر باشد و فرایند رسیدگی چه میزان طول کشیده باشد مطرح می شود. در مورد دوم، ترتیبات بازداشت فرد «اصل بازداشت یا ادامه آن» به نحو صحیح و قانونی طی نشده است. به عنوان نمونه بازداشت بدون وجود ادله کافی و یا بازداشت متهم بدون اخذ دستور مقام قضایی بیش از ۲۴ ساعت در این دسته قرار می گیرد. «جرم حبس و توقیف غیر قانونی، (پورمحمدی، ۱۳۷۴) در مورد سوم فرد متهم به ارتکاب جرم شده و در نهایت محکوم می‌گردد «ممکن است حتی در فرایند کیفری بازداشت نشده و سایر قرارهای تامین صادر شده باشد» ولی پس از صدور حکم قطعی محکومیت بی گناهی وی اثبات نشود. «محکومیت بی گناهان؛ از خطای قضایی تا بی گناهی واقعی. (فرجیها و غلاملو، ۱۳۹۴) هر چند در مورد اخیر نوعی اتفاق نظر در خصوص لزوم جبران خسارت وجود دارد، ولی در مورد اول که محل بحث این مقاله است دیدگاه متفاوت مطرح شده است.

بخش اول: ادله مخالفان

مخالفان پرداخت غرامت به متهمان بازداشت شده بی گناه دلایل متعددی در توجیه نظر خود بیان می‌کنند آنان معتقدند که اولاً: جبران خسارت برنامه هزینه بری است. بار سنگینی را بر دوش دولت تحمیل کرده و به طور غیر مستقیم باید هزینه‌های اجرای آن را سایر شهروندان پرداخت کنند. ثانیاً: پیش‌بینی جبران خسارت ممکن است در اشتیاق مقام‌های قضایی برای پیگیری پرونده‌های تاثیرگذار باشد؛ زیرا مقام‌های قضایی «دادستان‌ها» از ترس پرداخت خسارت به متهمان از بودجه عمومی، اشتیاقی به طرح دعوا و اقامه آن در دادگاه اثر نخواهد داشت. ثالثاً: جبران خسارت موجب می‌شود قضاات با درک این مطلب که چنانچه متهم تبرئه شود. باید از منابع عمومی به وی غرامت پرداخت شود تلاش کنند وی را به ناحق محکوم کنند، هر چند این محکومیت یک مجازات خفیف باشد. پیش‌بینی این مخاطره را دارد که در نهایت به

ضرر بی گناهان واقعی تمام شود و احتمال افزایش صدور حکم محکومیت «هرچند اندک» آنان را افزایش دهد. رابعا: پذیرش حق جبران خسارت موجب می‌شود که برای همه متهمانی که حکم برائت آنها صادر شده، غرامت پرداخت شود، فارغ از اینکه بی گناهی وی واقعی بوده یا خیر. چه بسا فردی واقعا مرتکب جرم شده باشد، ولی به دلیل فقدان ادله کافی حکم برائت وی صادر شود. در نتیجه برخی مجرمان به هزینه عمومی مبلغی به ناحق دریافت می‌کنند. در واقع پرداخت غرامت به این افراد خلاف اصل برائت است. افرادی که واقعا مرتکب جرم شده‌اند؛ ولی به دلیل فقدان ادله کافی تبرئه شده‌اند؛ نباید از نتایج اصل برائت بهره مند گردند. خامسا: جبران خسارت موجب بررسی مجدد پرونده می‌شود این در حالی است که قاعده اعتبار امر مخومه چنین فرضی را بر نمی‌تابد. نهایت اینکه خطر تعقیب و بازداشت یکی از هزاران خطر غیر قابل اجتناب زندگی در اجتماع است؛ بنابراین دلیلی ندارد که شهروندان بابت چنین بازداشت‌هایی جبران خسارت را درخواست کنند. (خزائی، ۱۳۷۷)

بخش دوم: ادله موافقان

در مقابل موافقان جبران خسارت معتقدند همه ایرادهای مخالفان قابل نقد است؛ زیرا اولاً: هزینه‌های پرداخت شده در برنامه جبران خسارت متهمان بازداشت شده بی گناه در مقابل منافع مادی و معنوی که از آن به دست می‌آید؛ بسیار ناچیز است. ثانياً: در صورت پیش بینی نهاد جبران خسارت، دادستان‌ها به راحتی به کسی اتهام زده و وی را بازداشت نمی‌کنند؛ بنابراین تنها در صورت وجود ادله قوی و متقن شکایت و تعقیب را شروع کرده و متهم را بازداشت می‌کنند. از این رو افراد بی گناه کمتری متهم شده و بازداشت خواهند شد. ثالثاً: این استدلال که قضات ترغیب می‌شوند که در هر صورت حکم محکومیت صادر کننده کاملاً نظری بوده و اثبات نشده است و نمی‌توان در این مورد که قضات ناخودآگاه پاسدار خزانه و منابع عمومی خواهند شد، پیش‌داوری کرد. علاوه بر این، قضات با وجدان حاضر نیستند به بهای محافظت از بودجه عمومی استحقاق متهم در جبران خسارت وارده در مدت بازداشت را نادیده گیرند. رابعا: مرتکبی که تبرئه شده منفعت اقتصادی دریافت نمی‌کند، بلکه به خاطر ضررها و آسیب‌هایی که در دوره بازداشت متحمل شده غرامت دریافت می‌کند. علاوه بر این، در برخی نظام‌ها همانند فرانسه تنها زمانی حکم به پرداخت خسارت صادر می‌شود که اثبات شود به هیچ وجه احتمال ارتکاب جرم تفهیم شده، وجود ندارد. اگر دادگاه تشخیص دهد که احتمال مجرمیت و برائت وی برابر است، حکم پرداخت خسارت صادر نمی‌شود. هر چند این راه حل مشکل‌زا است، آنچنان که بر اساس رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر زمانی

که حکم برائت قطعی شد، هرگونه تشکیک در آن مخالف اصل برائت است. خامسا: بین جبران خسارت با قاعده اعتبار مختومه تا حدودی تعارضی وجود ندارد. بدین توضیح که این امر حداقل در خصوص قرار منع تعقیب در فرض عدم وجود ادله کافی، سالبه به انتفاعی موضوع است، هر چند برخی از حقوقدانان فرانسوی در هر دو حالت اصدار قرار منع تعقیب چه به دلیل جرم نبودن عمل و چه به دلیل عدم وجود ادله، قاعده اعتبار امر مختومه را نسبت به هر دو فرض دوم تا زمان کشف دلیل مجرمیت جدید دانسته‌اند در رابطه با حکم برائت نیز جبران خسارت را باید ادامه رسیدگی به موضوع دانسته و نباید آن را رسیدگی مجدد قلمداد نمود؛ به عبارت دیگر آنچه مربوط به احکام قطعی برائت دادگاه‌هاست، در رسیدگی ثانوی که به منظور تخمین میزان خسارت وارده به عمل می‌آید، مطلقا محاکمه مجدد متهم مورد توجه نبوده و بر عکس با پرداخت خسارت مادی و معنوی به متهمی که به موجب حکم دادگاه برائت حاصل نمود، در حقیقت آثار و نتایج حکم برائت را اجرا می‌سازیم. در واقع همانطور که آزادی فوری متهم و درج برائت وی در مطبوعات از آثار حکم برائت محسوب می‌شوند، جبران خسارت از متهمان بی‌گناه فیزیکی دیگر از آثار حکم برائت و حتی مهمترین اثر آن خواهد بود. (مصدق، ۱۳۹۴) ضمن اینکه در بسیاری از کشورهای همانند ایران و فرانسه مرجع مطالبه جبران خسارت کمیسیون خاصی است که از این جهت، معادل مرجع رسیدگی به پرونده به معنای اخص نیست. علاوه بر این، موافقان جبران خسارت معتقدند فرد با ارتکاب جرم به جامعه بدهکار بوده و برای تادیه دین خود به اجتماع باید به میزانی که دادگاه تشخیص می‌دهد مجازات را تحمل کند. فلذا اگر در مرحله قبل از محکومیت قسمتی از این بدهی را تادیه کرده باشد؛ باید محاسبه و تهاتر شود. (آشوری، ۱۳۷۶)

بخش سوم: نظر برگزیده

تاملی در ادله مخالفان و موافقات نشان می‌دهد که استدلال‌های گروه دوم از پشتوانه قوی‌تر برخوردار است. از این روست که امروزه بسیاری از نظام‌ها از جمله ایران و فرانسه به سمت پیش بینی نهاد جبران خسارت گام برداشته‌اند. لذا هر چند در حقوق فرانسه به دلیل قدمت طولانی این نهاد، ابهام‌های قانونی از رهگذر رویه قضایی و دکترین حقوقی تا حدودی برطرف شده، ولی در حقوق ایران ابهام زدایی نشده است. که در این نوشتار به برخی از آنها اشاره گردید. بر این اساس و به منظور رفع ابهام‌ها پیشنهاد می‌شود بازداشت در مدت تحت نظر نیز به صراحت مشمول این نهاد قرار گیرد، بیان گردد که بازداشت اعم از اینکه در نتیجه صدور قرار بازداشت موقت باشد و یا در نتیجه عدم معرفی کفیل یا تودیع وثیقه، موجب ایجاد حق

جبران خسارت برای متهم بی گناه خواهد شد، لزوم علنی بودن برگزاری جلسات کمیسیون بیان گردد، نحوه تعیین خسارت به صراحت تعیین و مبنای آن نیز به تفکیک بیان شود، نحوه رسیدگی به درخواستهای جبران خسارت در کمیسیون مشخص و به صراحت حقوقی مانند حق بر مطلع شدن متهم آزاد شده از جبران خسارت، حق برخورداری از وکیل در جلسات کمیسیون و سایر حقوق قانونی پذیرفته و اشاره شود. (آشوری، ۱۳۹۵) شایان ذکر است به رغم گذشت پیش از سه سال از تصویب قانون آئین دادرسی کیفری و تاسیس این نهاد، آیین نامه اجرایی آن به تازگی تصویب و ابلاغ گردیده است. مشاهدات عینی نگارندگان نشان می‌دهد در استان‌های متخلف درخواست‌های متعددی جهت دریافت غرامت به کمیسیون استانی تقدیم شده است. هر چند، امید می‌رود در ادامه فعالیت این کمیسیون‌ها، رویه واحدی ایجاد گردیده و یا مراجعی مانند دیوان عالی کشور با صدور رای وحدت رویه ابهام زدایی کنند، ولی شایسته بود قانونگذار با وسواس بیشتری عمل ننمود. به یقین قوانین روشن و فاقد ابهام راه سیاست گذاری کیفری از رهگذر بخشنامه‌های قضایی که در سالهای اخیر رواج یافته را خواهد بست.

نتیجه گیری

قانونگذار کشورمان با پذیرش مسئولیت دولت نسبت به خسارت ناشی از بازداشت شخص بی گناه گامی مهم در شناسایی مسئولیت دولت نسبت به عملکرد دادگستری و به طور کلی نسبت به تصمیمات بخشی از کارمندان و نهادهای تحت مدیریت دولت برداشته است. جانشینی مسئولیت دولت به شرح پیش گفته می‌تواند به تدریج و با رعایت شرایطی به سایر تصمیمات مراجع قضایی نیز تسری یابد. به بیان دیگر شایسته است که دولت نه تنها نسبت به خسارات ناشی از بازداشت شخص بی گناه بلکه نسبت به زیان‌های ناشی از سایر تصمیمات قضایی به طور مستقیم در برابر شهروندان مسئول شناخته شود و مسئولیت مستقیم دادرس در برابر زیان دیده به مواردی همچون تقلب و تدلیس محو گردد. مسئولیت دولت به جای مسئولیت مستقیم دادرس موجب می‌شود تا نه تنها زیان دیده در مطالبه خسارت وارد شده با اعسار بدهکار مواجه نشود بلکه اقتدار دادرس را نیز در برابر اصحاب دعوا حفظ نماید. همچنین در مواردی که علاوه بر خطای قاضی اسباب دیگری نیز در ورود خسارت سهیم باشد به گونه‌ای که انتساب زیان به یکی از آنها ممکن نباشد مراجعه مستقیم به دولت زیان دیده را با دشواری‌های مربوط به تعیین عامل زیان مواجه نخواهد کرد. پس با توجه به مطالب مشروحه که بیان گردید می‌توان گفت که تکلیف دولت به جبران خسارت متهم بی گناه قواعد «من له الغنم

فعلیه الغرم» منافات ندارد چون دولت به عنوان متولی نظم عمومی جامعه و در مقام اعمال حاکمیت اقدام به تحدید آزادی افراد می‌نماید و به این اعتبار وقتی معلوم گردد در اعمال حاکمیت خود دچار اشتباه شده و از شهروندان خود به ناحق سلب آزادی کرده است باید به جبران آن اقدام نماید. از توجه به ظاهر حکم ماده ۲۵۵ چنین بر می‌آید که تکلیف دولت به جبران خسارات متهم محدود به خسارت معنوی شده است به عبارت دیگر دولت در مقام احترام به کرامت انسانی شهروندان اقدام به پیش بینی تدابیر جبران خسارت نموده است و این جبران بیش از آن که ماهیت مادی داشته باشد ماهیت معنوی دارد هر چند ابعاد مادی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. حکم ماده ۵۱۲ را نیز می‌توان در همین راستا مورد توجه قرار داد. طبق ماده مزبور شخص که به موجب حکم قطعی برائت حاصل کند می‌تواند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رای از دادگاه صادر کننده حکم نخستین درخواست نماید که حکم برائت از محل اعتبارات مربوط به قوه قضائیه در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار منتشر شود به طور کلی می‌توان گفت تکلیف دولت به جبران خسارت متهم با مسئولیت عمومی دولت در مقابل شهروندان ارتباط مستقیم دارد و دولت در فرض عدم تقصیر ابواب جمعی خود راسا «ماده ۲۵۵» در فرض تقصیر یا عمد دیگران «ماده ۲۵۹» به نیابت از آنان اقدام به جبران خسارت می‌کند و بعداً جهت اخذ خسارت پرداختی به متهم به عامل ورود زیان مراجعه کند. در مورد امکان دفاع بیت المال از خود در مقابل درخواست مطالبه خسارت باید گفت که تبصره ماده ۳۲۴ راهکار آن را الزام کمیسیون جبران خسارت به دعوت از نماینده دولت دانسته نماینده دولت می‌تواند با حضور در کمیسیون اعلام نماید که درخواست خارج از مهلت شش ماهه موضوع ماده ۲۵۷ یا شخص بنا حق خود را در معرض بازداشت قرار داده است یا یکی از جهات موضوع ماده ۲۵۹ را جهت فراهم سازی امکان مراجعه به عامل ورود زیان طرح نماید.

منابع فارسی

کتاب

- آشوری، محمد (۱۳۹۵)، **آئین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ نوزدهم، ویراست پنجم، تهران، انتشارات سمت
- (۱۳۷۶)، **عدالت کیفری** (مجموعه مقالات)، (مقاله لزوم جبران خسارت زندانیان بیگناه)، تهران، انتشارات گنج دانش
- حسین صفایی، حبیب الله رحیمی (۱۳۹۰)، **مسئولیت مدنی** (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت
- خزائی، منوچهر (۱۳۷۷)، **فرایند کیفری** (مجموعه مقالات)، (مقاله اصل برائت و اقامه دلیل در دعوی کیفری)، تهران، انتشارات گنج دانش
- خالقی، علی (۱۳۹۴)، **آئین دادرسی کیفری**، جلد نخست، چاپ سی و یکم، تهران، انتشارات شهر دانش
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، **عدالت و اخلاق** (مجموعه مقالات)، گامی بسوی عدالت، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان
- مصدق، محمد (۱۳۹۴)، **نوآوری‌های قانون جدید آئین دادرسی کیفری** (با آخرین اصلاحات)، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه و جنگل

مقالات

- باقر شاملو، مجید مرادی (۱۳۹۳)، **خسارت زدایی از مظنونان، متهمان و محکومان بی گناه؛ جایگاه حقوقی، فرآیند عملی، مجله حقوقی دادگستر، شماره ۸۸**
- پور محمدی، منصور (۱۳۷۴)، **جرم حبس و توقیف غیر قانونی، نشریه علمی پژوهش، دانشگاه تربیت مدرس**
- جمشید غلاملو، محمد فرجیها (۱۳۹۳)، **محکومیت بی گناهان؛ از خطای قضایی تا بی گناهی واقعی، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۸**
- (۱۳۹۴)، **سازوکارهای رسیدگی به ادعای بی گناهی محکومان: مطالعه تطبیقی نظام-های حقوقی ایران و انگلستان، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۱۱**
- عباسی، مصطفی (۱۳۸۲)، **عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۵، شماره ۹**

- کرمی، مرضیه (۱۳۹۴)، جبران خسارت متهم بازداشت شده بی گناه با رویکرد قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، همایش ملی قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد

- محمد سعد شفیعی، مهرداد عطاپور (۱۳۹۶)، جایگاه عدالت ترمیمی در مسئولیت کیفری، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۳، شماره ۱

- مودن زادگان، حسنعلی (۱۳۸۰)، نقد و بررسی قرار بازداشت موقت در قانون دادرسی ۱۳۷۸، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۴

- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۴)، گام‌هایی در طرح مسئولیت مدنی دولت ناشی از فعل شخصی، فعل اشیاء و فعل غیر در حقوق ایران و فرانسه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۵، شماره ۳

